

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به [GOOGLE PLAY](#) و [APP STORE](#) نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515



یادداشت روز صفحه ۲

خیابان و فقدان پاسخ گویی؛ چه باید کرد؟

از سه ماه به این طرف، مسیر انتقال لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان یکی از جنجالی ترین مباحث در کشور بوده است. کابینه ی حکومت وحدت ملی به تاریخ ۱۱ ثور سال جاری، تصمیم گرفت مسیر لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان که قبلاً توسط مؤسسه ی فیشتر آلمانی بامیان-میدان وردک انتخاب شده بود را به سالنگ تغییر بدهد. این تصمیم با واکنش های گسترده ی مردمی و نیز انتقاد برخی از مقامات بلندپایه ی حکومت وحدت ملی مواجه گردید. سرور دانش، معاون رییس جمهور و همچنان محمد محقق، معاون ریاست اجرایی کشور با انتقاد از تصمیم کابینه جهت ...



جنبش روشنایی:
مذاکرات با حکومت
به نتیجه نرسید، دوم
اسد آغاز تظاهرات
نامحدود خواهد بود

صفحه ۲



سریعترین انترنت 3G - بهترین قیمت

10GB

در بدل ۱۱۰۰ افغانی

برای اشتراک

10GB را به ۱۵۱ ارسال نمایید



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

مدت اعتبار: ۳۰ روز

۱۵۲

هادی دریابی

تصرف‌های ضد و نقیض

قندوز حال خوش ندارد. ماه‌ها قبل یک بار قندوز به صورت کامل به دست طالبان سقوط کرد. اما حکومت وحدت ملی توانست این شرم بزرگ را از تن حکومت دور کند و کنترل ولایت قندوز را به صورت نیمه-نصفی پس بگیرد. با آن که حکومت ادعا کرد که طالبان را در قندوز شکست سنگین داده، اما نگرانی مردم قندوز هرگز رفع نشد.

نگرانی قندوزی‌ها بی‌جا نبود. اتفاقاً ما ملتی هستیم که می‌دانیم که ولایت قندوز به چند ساختمان دولتی و بازار خلاصه نمی‌شود تا کنترل دولت در این ساختمان‌ها و بازارها به معنای شکست طالبان و برگشتن دوباره‌ی این گروه تروریستی باشد. طبق استراتژی امنیتی حکومت وحدت ملی، طالبان از شهر قندوز پس زده شدند. طالبان هم متأسفانه یک عادت بد دارند، عادت بد طالبان این است که وقتی از شهر یا ساختمان ولایت و ولسوالی پس زده می‌شوند، خیلی راحت می‌روند به قریه‌ها و روستاها. به قول فوتبال‌دوستان، قشنگ ریکاوری می‌کنند، تجهیز می‌شوند و دوباره حمله می‌کنند و امنیت جامعه را به چالش می‌کشند.

حالا بعد از ماه‌ها، طالبان دوباره به قندوز برگشته. طالبان مدعی است که ولسوالی قلعه‌ی زال را تصرف کرده. اما حکومت این ادعای طالبان را رد می‌کند و می‌گوید که نه! تصرف نکرده‌اند. طبق گزارش‌ها، نیروهای امنیتی فقط یک عقب‌نشینی تاکتیکی داشته و حالا پیشروی تاکتیکی‌شان به مشکل برخورد. شما می‌دانید که عقب‌نشینی تاکتیکی در کشور مردخیز مشکلات عدیده‌ی دارد. یکی از آن مشکلات، همین است که کار پیشروی را سخت می‌کند. اگر یادتان باشد نیروهای امنیتی به دستور مقامات بسیار بسیار رتبه‌بالا در ولایت بغلان عقب‌نشینی تاکتیکی کردند و ماه‌ها طول کشید تا حکومت دوباره در بغلان پیشروی کند. ضمن این که تلفات سنگینی هم داد.

به هر صورت، آن‌چه مردم را گیج کرده، تصرف‌های ضد و نقیض ولسوالی قلعه‌ی زال ولایت قندوز است. چند روز می‌شود در این ولسوالی جنگ است. طبق ادعاهای محلی، طالبان کنترل بازار را در دست دارند اما حکومت ادعا می‌کند که تلفات سنگینی به طالبان وارد کرده. در هر صورتش، دیر یا زود، کنترل این ولسوالی دوباره به دست حکومت خواهد افتاد. آن‌چه دوباره سرچایش قرار می‌گیرد، نگرانی‌های شدید از برگشت دوباره طالبان و تصرف چندباره‌ی این ولسوالی است. این نگرانی که مثل رهبران افغانستان ثابت است و هیچ فروکش نمی‌کند، دلیل موجهی هم دارد. مهم‌ترین دلیل استراتژی به عقب راندن طالبان است. سوال این است که طالبان چرا نباید نابود شوند؟ امروز آن‌ها را از ولسوالی به عقب برانیم، فردا دوباره بر می‌گردند. دوباره یک ولسوالی را سقوط می‌دهند، تمام دار و ندار ولسوالی را که به منطقه‌ی امن انتقال دادند، دوباره به دست حکومت مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند. باز که کم‌خرج شدند و شور کشتار به سرشان برگشت، باز حمله می‌کنند. این داستان تابه‌حال چندین بار تکرار شده، نه تنها در قندوز که در خیلی از ولایت‌های ناامن.

در امتداد این تصرف‌های ضد و نقیض، هم حکومت پابرجاست هم حکومت‌مردان چندستاره و شکم‌فراز، هم طالبان پابرجاست هم رهبران به شدت مولوی‌شان. در این میان فقط سربازان حاضر در خط اول قربانی می‌شوند و مردمی که نه برای حکومت مهم است نه برای طالبان. جدا از این که چه قدر از منابع و زمان صرف این حیل‌های امنیتی می‌شود، حیات و سرنوشت مردم مهم است. طالبان تروریست‌اند، دشمن مردم و دشمن نظام‌اند. دشمنان مردم باید نابود شوند، نابودی دشمنان مردم، وظیفه‌ی حکومت است. اما چرا حکومت همیشه به جای نابودی طالبان، به عقب‌راندن آن‌ها بسنده می‌کند؟

من تمام تلاش‌م را کردم که به جواب این سوال برسیم، اما نرسیدم. از این بابت شرمندم. اما یک احتمال ضعیف وجود دارد و آن این که نابودی طالبان به عنوان یک گروه تروریست، در دستور کار حکومت وحدت ملی نیست. مسأله این نیست که حکومت توانایی نابودی طالبان را نداشته باشد یا امکاناتش را. همه می‌دانیم که نیروهای امنیتی ما توانایی لازم برای نابودی طالبان را دارند. بدبختانه، آب از بالا خیت است.

همین که آب از بالا خیت است، حتی اگر همین امروز کنترل ولسوالی قلعه‌ی زال به صورت کامل به دست حکومت بیافتد، بازهم این نگرانی وجود خواهد داشت که طالبان بعد از چند هفته یا چند ماه، دوباره حمله کنند و ادعا کنند که کنترل ولسوالی را به دست گرفته و حکومت دوباره آن را رد کند و بگوید که یک عقب‌نشینی تاکتیکی بود و ما حالا حدوداً چهار روز می‌شود در حال پیشروی هستیم، منتها در بازار نرسیده‌ایم.

این طلسم چگونه خواهد شکست؟

ستار ثابت



جنبش روشنائی پس از علنی شدن تصمیم یازدهم ثور کابینه‌ی حکومت وحدت ملی شکل گرفت و به صورت قاطع در برابر آن به مبارزه برخواست. در طی چند ماهی که از رویارویی این جنبش اجتماعی با حکومت می‌گذرد، به تبصیر از روح ناآرام این کشور، تحولات زیادی رخ داد و نقطه‌عطف‌های چندی در تاریخ مبارزاتی کشور پدید آمد. گروگان‌گیری‌های وحشیانه، انفجارهای هولناک، ممله‌های مرگبار و فرصت‌های از دست‌رفته، از شمار عمده‌ی این تحولات‌اند. اکنون که به لطف کم‌کاری‌های مضاعف و فزاینده‌ی سران حکومت، سیاست‌های پسیف و سازش‌گرانه با ویران‌گران این سرزمین و ناراستی‌های عینی در برفور با جهانیان، کشور در حالت نیمه‌ویران، از نفس افتاده و بی‌نوا به سر می‌برد، چشم‌دوختن مکرر به دهان حاکمان کشور و امید لطف و مرحمت داشتن از آن‌ها، بیش از پیش پوچ و بی‌معنا می‌نماید.

شنبه ۲۵ سرطان آقای سرور دانش معاون دوم ریاست‌جمهوری گفت: کابینه بودجه‌ی انتقال لین برق ۲۲۰ کیلوولت دوشی - بامیان را تصویب کرد و کابینه‌ی حکومت بودجه‌ی انتقال لین برق ۲۲۰ کیلوولت دوشی الی بامیان را در بررسی وسط سال بودجه‌ی سال ۱۳۹۵ شامل کرد. تا این‌جا کار، حکومت نه آن‌گونه که ایجاب می‌کرد، بل چنان‌که در نخست گمانه‌زنی‌ها وجود داشت، بدون رضایت جنبش روشنائی به دنبال نمودن خواست خود پرداخت و ادامه‌ی این روند، به تظاهرات امروز انجامید.

تردیدی نیست که افغانستان در وضعیت کنونی، بیش از هر زمانی نیازمند امنیت و مصونیت است. روشن است که حکومت وحدت ملی این امنیت را بدون همراهی مردم، به دست نخواهد آورد. دور شدن از مردم در شرایط فعلی و قرار گرفتن در برابر آن‌ها همان قدر خطرناک است که اضمحلالش به‌دست دشمنان حکومت و مردم: طالبان و دیگر گروه‌های مسلح مخالف. با این حال، اینک رییس عمومی امنیت ملی به‌عوض این که از کشور در برابر حملات بی‌امان طالبان و دیگر گروه‌ها محافظت کند، ... ادامه در صفحه ۴

سیاست‌های پسیف و سازش‌گرانه با ویران‌گران این سرزمین و ناراستی‌های عینی در برخورد با جهانیان، کشور در حالت نیمه‌ویران، از نفس افتاده و بی‌نوا به سر می‌برد، چشم‌دوختن مکرر به دهان حاکمان کشور و امید لطف و مرحمت داشتن از آن‌ها، بیش از پیش پوچ و بی‌معنا می‌نماید. تظاهرات بیست‌وهفتم ثور با اشتراک هزاران نفر از شهروندان پایتخت هرچند با مانع غیر قابل انتظار حکومت روبه‌رو شد، اما بی‌تأثیر نبود. رییس‌جمهور حکم ایجاد یک کمیسیون متشکل از نمایندگان حکومتی و شورای عالی مردمی جنبش روشنائی را صادر کرد تا داعیه‌ی جنبش را بررسی نموده و نیز در تصمیم‌گیری حکومت بازنگری کند. شورای عالی مردمی این کمیسیون را یک طرح فریب‌کارانه خواند و در نهایت از اشتراک در پروسه‌ی تحقیق آن خودداری ورزید. کمیسیون حکومتی شد و برآیند تحقیق آن دقیقاً همان چیزی شد که شورای عالی مردمی آن را دلیل فریبکاری کمیسیون می‌خواند: لین برق از مسیر سالنگ می‌گذرد و برای مناطق مرکزی طرح بدیل حکومت اجرا می‌شود. در تاریخ یکشنبه ۳۰ جوزا تفاهم‌نامه‌ی انتقال لین برق ۲۲۰ کیلوولت به ولایت بامیان امضا شد.

تاریخ‌نویسان بعدی کشور، در یک صفحه‌ی جداگانه خواهند نوشت: حکومت وحدت ملی در یازدهم ثور سال ۱۳۹۵ تصمیم گرفت که خلاف نتایج تحقیقی شرکت فیشنر آلمانی، مسیر عبور لین برق ۵۰۰ کیلوولت را از بامیان-میدان وردک، به سالنگ تغییر بدهد. اینک می‌بینیم با موج افزون‌شونده‌ی شورش و اعتراضی که به دنبال این تصمیم برخاسته است، چنین جایگاهی بدون شک به این تاریخ اختصاص خواهد یافت. در آن صورت، یازدهم ثور چیزی بیش از یک نشانه‌ی تاریخی صرف خواهد بود. زیرا نشانه‌های تاریخی، نشانه‌هایی هستند زمان‌مند، ایستا و قابل فراموشی. اما این یکی عقبه‌ی ماندگاری خواهد شد در تاریخ نه‌چندان گوارای این سرزمین؛ عقبه‌ی پویا، پرسش برانگیز و دشوارگذر. نمی‌توان همچون دیگر روزهای بی‌شمار تلخ این کشور، به راحتی از کنار آن گذشت. تعبیر این مسأله این است که، این روز فراتر از روزهای عادی سپری شده، به مثابه یک «پدیده» مطرح خواهد شد. پدیده‌های تاریخی هم خوب‌اند و هم بد. پدیده‌های خوب و خوشایند تاریخ آن‌هایی‌اند که نمادهای نامیرایی می‌شوند برای رهایی، آزادی، کشف زیبایی‌های زندگی و رهنوردن به قلمرو روشنائی. اما پدیده‌های زشت و نکبت‌بار تاریخ را می‌توان به‌مثابه سندهای سیاهی، تباهی و ویرانی زندگی بازخوانی کرد. محض نمونه، شاید روز به قدرت رسیدن هتلر یکی از این نمونه پدیده‌های زشت و ذلت‌بار تاریخ باشد و قس علیهذا.

جنبش روشنائی پس از علنی شدن تصمیم یازدهم ثور کابینه‌ی حکومت وحدت ملی شکل گرفت و به صورت قاطع در برابر آن به مبارزه برخاست. در طی چند ماهی که از رویارویی این جنبش اجتماعی با حکومت می‌گذرد، به تبصیر از روح ناآرام این کشور، تحولات زیادی رخ داد و نقطه‌عطف‌های چندی در تاریخ مبارزاتی کشور پدید آمد. گروگان‌گیری‌های وحشیانه، انفجارهای هولناک، ممله‌های مرگبار و فرصت‌های از دست‌رفته، از شمار عمده‌ی این تحولات‌اند. اکنون که به لطف کم‌کاری‌های مضاعف و فزاینده‌ی سران حکومت،

حملات بر شفاخانه‌ها؛ داکتران افغانستان زیر آتش

داکتران و مریضان غیرنظامی در خط مقدم جنگ در افغانستان با تهدید فزاینده مواجه‌اند، آیا قوانین در حال تغییر است؟

ترجمه: فرهاد پویا

الجزیره/کریشماویاس



یکی از مخرب‌ترین حملات در ماه اکتوبر ۲۰۱۵ زمانی رخ داد که یک شفاخانه مربوط به داکتران بدون مرز در قندوز، در شمال افغانستان، معدوم شد. بیش از ۴۰ تن، از جمله کارمندان صمی، زمانی کشته شدند که ارتش امریکا بر این مرکز بیش از ۲۰۰ فشنگ انداختند. بازماندگان این رویداد از صحنه‌های ترسناکی می‌گویند: مریضان در واحد مراقبت‌های ویژه در بسترهایشان سوختند و داکتران در حالی که تلاش می‌کردند از هلیکوپترهای مسلح فرار کنند، اعضای بدن‌شان را از دست دادند. داکتران عصمت‌الله عصمت، یک جراح افغان که در زمان حمله در این مرکز کار می‌کرد، گفت: «دوستانم فریاد می‌زدند. می‌گفتند «لطفاً به ما کمک کنید»... اما کسی نبود که کمک کند».

چیزی است که به رشد کودک کمک می‌کند». بسیاری از مادران در این مرکز هرگز مکتب نرفته‌اند. برخی از آن‌ها نوجوانی بیش نیستند که پس از عروسی در سن جوانی طفل به دنیا می‌آورند. شریفه می‌پذیرد: «در خانه به او شیر گاو و شیر بز می‌دادم. اما او به آن واکنش بد نشان داد». داکتران می‌گویند که حمید باید برای حد اقل یک هفته در این مرکز تغذیه بماند. بدون مداخله فوری داکتران، حمید و بسیاری از کودکان دیگر در این‌جا خواهند مرد. اما داکتران خط مقدم که برای نجات زندگی آن‌ها کار می‌کنند و افراد دیگری مانند آن‌ها در سراسر جهان، با تهدید فزاینده مواجه‌اند. به گفته کمیته بین‌المللی سلیب سرخ، در سه سال گذشته حد اقل ۲۴۰۰ حمله بر بیمارستان‌ها، کارمندان صحتی و مریضان وجود داشته است. صرف در افغانستان، در هر سه روز یک رویداد وجود دارد.

یکی از مخرب‌ترین حملات در ماه اکتوبر ۲۰۱۵ زمانی رخ داد که یک شفاخانه مربوط به داکتران بدون مرز در قندوز، در شمال افغانستان، معدوم شد. بیش از ۴۰ تن، از جمله کارمندان صحتی،

لشکرگاه، افغانستان - کودک بسیار خردسالی برای نفس کشیدن می‌جنگد. تش به لوزه می‌افتد. او صرف سه روز عمر دارد. سامانتا هاردیمن، پرستار کودکان، می‌گوید: «اکسیجن [بدن] او صرف ۵۰ درصد است.» «به ادزولین بیشتری نیاز داریم». در حالی که داکتران دور او تجمع می‌کنند، بدن شکننده او به شدت تکان می‌خورد. ناگهان، او دچار ایست قلبی می‌شود و بدنش از حرکت باز می‌ماند و به یکی از جوانترین قربانی‌های جنگ سی‌ساله افغانستان تبدیل می‌شود. در این درگیری تلخ، سربازان و شورشیان شاید در خط آتش باشند، اما این کودکانی مانند او هستند که تلفات ناخواسته هستند.

سه دهه جنگ امکانات صحتی در افغانستان را نابود کرده است و اطفالی که به‌شدت مریضان‌اند بیشترین هزینه را می‌پردازند. هاردیمن، در حالی که در بخش مراقبت ویژه نوزادان «شفاخانه بوست» در ولایت جنوبی هلمند قدم می‌زند، می‌گوید: «ما نرخ مرگ و میر نسبتاً بالاتری داریم، چون اطفال وقتی به [شفاخانه] ما مراجعه می‌کنند، شدیداً مریضان‌اند.» «گاهی خانواده‌ها نمی‌توانند به دلیل جنگ در اطراف‌شان به موقع اطفال‌شان را به شفاخانه برسانند». شفاخانه بوست که توسط داکتران بدون مرز، این گروه بین‌المللی کمک‌های صحتی، اداره می‌شود، در چند کیلومتری خط مقدمی واقع شده است که نیروهای حکومتی و شورشیان طالب را از هم جدا می‌کند. شفاخانه بوست که یکی از معدود تأسیسات صحتی در این نقطه از خاک افغانستان است، برای دهه‌ها هزار غیرنظامی یک مرکز حیاتی است. هر روز تا ۵۰۰ مریض به این شفاخانه می‌آیند که اکثریت آن‌ها کودکانی هستند که از سوءتغذی حاد رنج می‌برند. سوءتغذی هنوز یکی از علت‌های اصلی مرگ‌ومیر کودکان در این منطقه است. در سال ۲۰۱۵، شفاخانه بوست تقریباً ۲۳۰۰ کودک مبتلا به سوءتغذیه برای تداوی پذیرفت. حمید صرف شش ماه عمر دارد، اما او در این سن‌وسال اندک‌تر سه بار در این شفاخانه [برای تداوی] پذیرفته شده است. در آخرین دیدارش [از این شفاخانه]، نشانه‌هایی از سوءتغذیه در او وجود دارد: پوست روی استخوان‌هایش شفاف است و سر گرد/مدور او برای تن نازک و نحیف بسیار کلان است. شریفه، مادر او از پشت برقع آبی‌اش می‌گوید: «اولین باری که او را این‌جا آوردم، نزدیک بود بمیرد.» «او را به اتاق اورژانس بردم و داکتران او را در یک دستگاه پرورش اطفال زودرس قرار دادند و به او اکسیجن دادند و سپس او بهتر شد. او را برای یک هفته به خانه بردم اما حال او بدتر شد». در حالی که داکتران در اتاق اورژانس او را معاینه می‌کنند، حمید دهنش را می‌گشاید تا چغ بزند، اما او ضعیف‌تر از آن است که صدایش برآید. مادرش می‌گوید که او دچار اسهال

و سرفه است، اما داکتران فوراً او را به مرکز تغذیه‌ی بیمارستان می‌فرستند. شریفه می‌گوید: «تمام روز می‌ترسم و گریه می‌کنم. شاید از دستش بدهم. من پسر را بسیار دوست دارم. وقتی مریض است، دلم درد می‌کند. حتا نمی‌توانم چیزی بخورم». شریفه و پسرش در مرکز تغذیه در کنار ده‌ها تن از نوزادان دچار سوءتغذیه و مادران‌شان به زور جا داده شده‌اند. بسیاری‌ها چندین روز سفر کرده‌اند و از گلوله‌ها، ماین‌های زمینی و ایست‌های بازرسی گذشته‌اند تا به این شفاخانه رسیده‌اند. تقاضا به مراقبت‌های بهداشتی آن‌قدر زیاد است که بسیاری اوقات کارمندان باید در یک بستر دو یا سه مریض را جا بدهند. این‌جا، اطفال خردسال هرچند ساعت در یک رژیم کالوری شدیداً بلند قرار داده می‌شوند و رژیم غذایی‌شان در هر ساعت توسط کارمندان صحتی نظارت می‌شود تا از وزن گرفتن آن‌ها اطمینان حاصل شود. یک داکتر افغان به شریفه می‌گوید: «شیر مادر برای یک کودک بهترین است.» «وقتی آن را نداشته باشند، لاغراند و مشکلات زیادی دارند، مانند شکم ورم‌کرده و گرفتگی عضلات. شیر مادر تنها

...ادامه از صفحه 3

با این مردم، بل در جانب مسئول برآوردن مطالبات و نیازمندی‌های آنان، دست به عملی نمودن خواست‌های آنان می‌زند. سنت مدنیت امروزه به‌گونه‌ی شکل گرفته که انتظاری جز این نمی‌توان از یک حکومت باورمند به مدنیت و دموکراسی داشت. معنای این امر نه کوچک و ناچیز شدن منزلت حکومت است و نه از دست دادن اقتدارش، بلکه این امر باعث می‌شود فاصله‌های مهیب ایجادشده میان حکومت و مردم کم‌تر گردد، حکومت در برابر مخالفان مسلح با نیرو و فراغ خاطر بیشتری بایستد و در یک کلام، زندگی مردم و حکومت در جهت زیبا و انسانی شدن رقم بخورد.

اما، ابهام چندلایه‌ی کنونی در موضع حکومت و شکنندگی تکان‌دهنده‌ی اوضاع امنیتی کشور، این خوش‌بینی را فرسخ‌ها دور از قلمرو تحقق و عملی شدن نشان می‌دهد. حالا هیچ‌کس به‌درستی نمی‌داند پایان این وضعیت چگونه خواهد بود و این طلسم سنگین و شوم، با چه منطق و رویکردی خواهد شکست.

تظاهرات کنندگان، تظاهرات آن‌ها را ناقص نموده و خواست‌هایشان را جدی نگیرد. نتیجه‌ی دم‌دستی که این گزینه دارد، این است که، از آن‌جایی که جنبش روشنائی یک جنبش مردمی، مدنی و دموکراتیک است و از به‌کار بستن خشونت در هر مقطع و موردی احتراز خواهد جست، با این‌وصف، در برآوردن خواست فوری خود ناکام می‌ماند و حکومت در مقام گرفتن در برابر این جنبش، در موضع پیروزی قرار می‌گیرد. اما مسأله این است که، آیا چنین است رسم حکومت‌داری در عصر دموکراسی و مدنیت؟ آیا حکومت وحدت ملی آن‌قدر از پایه‌ها و بنیه‌های محکم و استواری برخوردار است که بتواند جهت سیر تاریخ را بازگونه طی کند؟ آیا در نهایت امر، نارضایتی‌ها و خیزش‌های مردمی با چنین رویکردی به‌صورت قطعی سرکوب و در نتیجه محو خواهد شد؟ دو: حکومت وحدت ملی به تاسی از وظیفه و رسالتی که دارد، تظاهرات مردمی را حق اساسی مردم در یک عصر مدنی دانسته و در گام بعدی، نه در مقام رویارویی

و مطالبات شهروندان در کلیت، همان چیزی است که منافع ملی یک کشور را شکل می‌بخشد. اشتباه است اگر حکومت در ورای این خواست‌ها و نیازمندی‌ها به دنبال تعریف و تحلیل منافع ملی کشور باشد. حالا که قرار است جنبش روشنائی دومین تظاهرات بزرگ و «نامحدود» خود را در پایتخت کشور برگزار می‌کند، حکومت وحدت ملی ناگزیر از اعتنا به آن است. یعنی منطقاً در کارکرد حکومت، چیزی غیر از این مسأله را نمی‌توان انتظار داشت. کم‌نیستند حکومت‌هایی در تاریخ که در مواجهه با خیزش‌های اجتماعی و مطالبات مردمی دچار سهل‌انگاری شده و عاقبت خوشایندی نداشته‌اند. با توجه به واقعیت‌های عینی جامعه، ضرورت‌ها و ناگزیری‌ها، حکومت وحدت ملی در برابر جنبش روشنائی می‌تواند دو راه‌کار را انتخاب و عملی نماید. یک: حکومت وحدت ملی می‌تواند همچون موارد قبلی با ایجاد موانع در مسیر تظاهرات و سد راه

با طرح‌های خنثا و نه‌چندان کارساز، مصروف چانه‌زنی با شورای عالی مردمی شده است. استمرار این وضعیت نتیجه‌ی مطلوبی در پی نخواهد داشت؛ فاصله میان حکومت و مردم بیشتر می‌شود، دشمن تقویت می‌گردد و کشور عملاً به‌سوی هرج‌ومرج می‌رود. به هر اندازه که حکومت فرصت را در تقابل با مردم از دست بدهد، به همان اندازه دشمنان کشور مالک قدرت و نیرو می‌گردند.

حکومت وحدت ملی وظیفه داشت و دارد که به خواست‌های مردمی با جدیت، صداقت و فوریت رسیدگی کند. این یک امر روشن و مشخص است که کتله‌های اجتماعی در یک جامعه‌ی که به‌لحاظ اقتصادی، فرهنگی و حتا قومی به‌شدت پارچه‌پارچه است، خواست‌ها و مطالبات گوناگون شکل بگیرد. اما این مسأله سبب نمی‌گردد که حکومت نتواند این مطالبات را اولویت‌بندی کند و در پرداختن به آن‌ها موضع روشن بگیرد. بدیهی است که مجموع خواست‌ها

پهلنگ

سخن‌آهنگ

خبر خوب از افغانستان؛
اصلاحات اقتصادی شکل می‌گیرد

فارین افیرز/جاوید احمد

ترجمه: حمید مهدوی



حکومت خطر نفهم

دولت اشرف غنی احمدزی تا کنون توانسته جامعه‌ی بین‌المللی را متقاعد نگه دارد که آن چه به نام دولت وحدت ملی در افغانستان حاکم است بهترین گزینه‌ی ممکن برای دور نگه داشتن طالبان از قدرت است. توفیق دولت در این کار را می‌توان از روی قول کشورها دانست؛ قول به ادامه‌ی کمک به این دولت. از کامیابی دولت برای جلب چنین کمک‌ها یک چیز دیگر را هم می‌توان دانست و آن این است که برای بسیاری از کشورهای مهم جهان شیوه‌ی حکومت کردن اشرف غنی چندان مهم نیست. به همین خاطر، نارضایتی بسیاری از شهروندان افغانستان از دولت کنونی در نظر آنان تهدید مهمی برای منافع ملی آن کشورها به‌شمار نمی‌رود. آن چه دولت اشرف غنی از این وضعیت برداشت کرده این است که پس می‌توان در داخل کشور با مشتی آهنگ نیز حکومت کرد. به بیانی دیگر، محاسبه‌ی اشرف غنی ظاهراً این است که وقتی دولت‌های دیگر با وجود این همه ناکارایی حکومت در تامین خدمات برای شهروندان افغانستان هنوز از دولت او حمایت می‌کنند، از این پس نیز می‌توان با خیال راحت به شیوه‌ی معمول خود ادامه داد. این محاسبه عجالتاً محاسبه‌ی درستی هم هست. تقریباً کاملاً روشن است که اگر دولت اشرف غنی با چالشی جدی روبه‌رو شود، امریکا و اروپا از سقوط دولت او جلوگیری خواهند کرد. همان گونه که با دادن اشاره‌های عیان و نهان به مخالفان کززی به آنان فهماندند که اپوزیسیون را فقط در حد مخالفت‌های شعاری می‌پذیرند و اگر کار به جاهای باریک برسد با تمام نیرو از کززی حمایت خواهند کرد.

اما این همه‌ی ماجرا نیست. آن چه اشرف غنی نمی‌خواهد بفهمد این است که پشتیبانان غربی اش تنها می‌توانند از او در برابر مخالفت‌های فراکسیونی و حزبی کوچک حمایت کنند. به این معنا که اگر مثلاً گروهی از مجاهدین یا رقبای سیاسی اشرف غنی با تکیه بر توانایی‌های سازمانی و تنظیمی خود به مخالفت مسلحانه یا خشونت‌آلود در برابر دولت او برخیزند، غربی‌ها می‌توانند اشرف غنی را کمک کنند که بر چنان نیرویی فایق آید. آن چه اشرف غنی از مقابله با آن ناتوان است گسترده شدن حرکت‌های مردمی بزرگ است (چیزی شبیه آن چه در جنبش روشنائی می‌بینیم). در برابر حرکت‌های بزرگ مردمی پشتیبانان بین‌المللی دولت اشرف غنی نیز کاری نمی‌توانند. باریکی قضیه در این مورد این است که اگر حرکت‌های بزرگ مردمی به خشونت کشانده شوند، سرکوب این حرکت‌ها با سرکوب مثلاً یک کودتا فرق می‌کند. یک حزب یا یک فراکسیون دولتی ناراضی را می‌توان سرکوب کرد. اما با همه‌ی مردم کشور نمی‌توان رودررو ایستاد. این خطری است که دولت وحدت ملی از درک‌اش عاجز به نظر می‌رسد. هیچ ضمانتی نیست که اعتراضات جنبش روشنائی به خشونت کشانده نشود. اگر موج خشونت به راه بیفتد، کشور باز در کام بحران‌های ویرانگر فرو خواهد افتاد. چرا باید یک دولت به‌خاطر مقابله با یک خواست مشروع و حتا ساده‌ی میلیون‌ها شهروند کشور به چنین چشم‌انداز خطرناکی رضایت بدهد؟

قوی‌تر و بخش خصوصی توسعه‌یافته‌تر - را بیان می‌کند و یک فرایند اصلاح شده‌ی بودجه را تنظیم می‌کند، در حالی که به محو فساد متعهد است.

هدف یک طرح دوم، چارچوب انکشاف ملی افغانستان، تبدیل کردن این کشور از یک اقتصاد با واردات سنگین به یک اقتصاد با صادرات سنگین است. برای انجام این کار، حکومت وحدت ملی با سرمایه‌گذاری در زمینه‌های آبیاری، مدیریت آب، تکنولوژی مزرعه‌داری و تسهیلات ذخیره‌سازی، روی توسعه‌ی بازدهی زراعت متمرکز شده است. این تلاش‌ها اساس پیشرفت قابل ملاحظه‌ی را تشکیل می‌دهد که افغانستان قبلاً به آن نایل آمده است؛ در سال ۲۰۱۵، این کشور به سازمان تجارت جهانی پیوست و به ۵۷۰ میلیون دالر صادرات بی‌پیشینه، ۱۵۰ میلیون دالر بیشتر از سال ۲۰۱۳، دست یافت.

برای کابل، مبارزه با فساد نیز به یک اولویت ملی تبدیل شده است. در ماه جولای، حکومت برای اولین بار کمیسیون مبارزه با فساد و یک مرکز عدلی مبارزه با فساد را ساخت تا در مورد مقام‌های ارشد تحقیق کرده و [مقام‌های فاسد] را تحت پیگرد قرار بدهد. در ماه جاری، حکومت وحدت ملی همچنین شورای عالی حکومت داری، عدالت و مبارزه با فساد را تشکیل داد که توسط خود رییس‌جمهور رهبری می‌شود تا مقام‌های ارشد را وادار کند داری‌های‌شان را اعلان کنند. بیش از ۹۰ درصد مقام‌های دولتی، به شمول رییس‌جمهور و رییس اجرائیه، قبلاً این کار را انجام داده‌اند. حکومت یک قاضی القضاات و یک دادستان کل جدید را منصوب کرد و بیش از ۵۰۰ قاضی و دادستان را تغییر رتبه داد. در عین زمان، اداره‌ی تدارکات ملی، کمیسیون ویژه‌ی که رییس‌جمهور بر آن نظارت دارد، بیش از ۹۰۰ قرارداد را که ارزش آن‌ها ۲،۵ میلیارد دالر است، مورد بررسی قرار داده است و با مهار شیوه‌های دسیسه‌آمیز تدارکات در قراردادهای تیل، غذا و ساخت و ساز، ۲۰۸ میلیون دالر را پس‌انداز کرده است.

افغانستان برای شرکت‌های هوایی تجارتی را افزایش داد که همه به پایه‌ی درآمد حکومت می‌افزاید.

در عین زمان، کابل سیستم حقوق گمرکی را روی دست گرفته است که ۴۶ درصد درآمد داخلی تشکیل می‌دهد اما به مرکز فساد تبدیل شده است. حکومت یک-چهارم مقام‌های گمرک و مدیران [جمع‌آوری] مالیه را اخراج کرده است، [سیستم] نظارتی سخت‌گیرانه را که توسط کارمندان فنی و جوان رهبری می‌شود تاسیس کرده است، سیستم داده‌ها و پرداخت‌های گمرکات را خودکار ساخته است و به طرف دیجیتال ساختن اداره‌ی مالیات گام برداشته است.

کابل، تاحدودی در نتیجه‌ی این اصلاحات، در سال ۲۰۱۵، به‌طور بی‌سابقه‌ی ۱،۷ میلیارد دالر درآمد داخلی جمع‌آوری کرد که نه‌تنها هدف تعیین شده توسط صندوق بین‌المللی پول را برای اولین بار در ۱۵ سال گذشته برآورده ساخت بلکه بیش از ۱۵۰ میلیون دالر از آن فراتر رفت. درآمد داخلی در سال ۲۰۱۵ بیست‌ودو درصد نظر به سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. به‌گفته‌ی بانک جهانی، تمام انواع درآمد داخلی در سال ۲۰۱۵ افزایش یافت: درآمد مالیاتی ۱۴ درصد افزایش یافت، عوارض گمرکی ۱۷،۲ درصد بالا رفت و درآمدهای غیرمالیاتی، به‌ویژه عوارض گمرکی، با ۴۶ درصد افزایش، بیشترین افزایش را ثبت کرد. انتظار می‌رود که درآمدها، به لطف اصلاحات حکومت، تا سال ۲۰۲۰ به تقریباً ۳ بیلیون دالر افزایش پیدا کند.

در همین حال، در مقایسه با سال ۲۰۱۴، هزینه‌های حکومت در سال ۲۰۱۵ کمتر از یک درصد افزایش داشت که این همراه با [کاهش] دردناکی که حکومت در مصارفش آورده است، به معنای تقویت موقف مالی این کشور است. حکومت یک برنامه‌ی مدیریت مالی پنج ساله را طرح کرده است که پروژه‌ی دوم اصلاحات مدیریت مالی عامه‌نمیده می‌شود و جزئیات راه درازمدت این کشور به طرف ثبات مالی را برنامه‌ریزی می‌کند. این طرح به‌صورت واضح اولویت‌های ملی افغانستان - از جمله سرمایه‌گذاری در زراعت و زیربناها، سرمایه‌ی انسانی

وقتی ایالات متحده و متحدانش در ماه دسامبر ۲۰۱۴ خروج سربازان‌شان از افغانستان را آغاز کردند، اقتصاد افغانستان سقوط کرد، بیکاری به‌شدت افزایش یافت و صدها هزار افغان از این کشور فراری شدند. حکومت هیچ پالیسی کارآمد مالی نداشت: فساد و سوءمدیریت تلاش‌های جمع‌آوری مالیه و درآمد حکومت را آفت‌زده ساخت، بودجه‌ی آن درهیم‌ریخته، غیرمتوازن و غیرشفاف بود. کسر بودجه و بی‌ثباتی اقتصادی به‌ویژه برای آسیب‌پذیرترین‌ها، افراد فقیر و بیکار، که با هم اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، دشوار بود.

اما حکومت وحدت ملی اخیراً چندین اصلاحات مهم را به‌عنوان بخشی از آن چه که آجدای اتکا به خود نامیده می‌شود و هدف آن تحرک بخشیدن به اقتصاد این کشور (جهش اقتصادی) است، روی دست گرفته است. در ماه جولای، در اجلاس سران ناتو در ورشو، رهبران جهان، از جمله بارک اوباما رییس‌جمهور امریکا، این اصلاحات را ستودند.

آن‌ها کار درستی انجام دادند. حکومت در سال ۲۰۱۵ یک قانون جدید، قانون اداره‌ی امور مالیاتی، را معرفی کرد که یک چارچوب قانونی را برای متمرکز بودن اداره مالیات فراهم می‌کند. در عین زمان، این قانون مالیه‌دهندگان کوچک در کابل را ارزیابی کرد تا اساس مالیاتی را عمیق ساخته و تکلیف [پرداخت] مالیه را رسمی سازد. این ارزیابی اولین گام در جهت دیجیتال سازی کردن سیستم ثبت مالیه برای هزاران مالیه‌دهنده‌ی کوچک بود که مختصات جی.پی.اس (سیستم موقعیت-یاب جهانی) بنگاه‌ها برای ایجاد یک نقشه‌ی معلوماتی جغرافیایی به‌منظور جمع‌آوری مالیه در سال‌های آینده را نیز ثبت می‌کند. حکومت همچنین مالیات بر معاملات انتفاعی را دو برابر کرد و از دو فیصد به چهار فیصد بالا برد که از تمام کاروبارهایی که دریافتی‌های ناخالص‌شان بیشتر از ۸۵۰۰ دالر باشد، جمع‌آوری می‌شود. همچنین حکومت مالیه بر تیل و گاز وارداتی را نیز افزایش داد، بر ازدیاد کریدت در تیلیفون‌های همراه نیز ده درصد مالیات وضع کرد و فیس پرواز از فراز

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

jawad.najee@gmail.com

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سرمدیر: جواد ناجی
- دبیر خبر: عصمت الله سروش
- گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ویراستار: عمران راتب
- صفحه آرا: هادی دریابی
- بازاریاب: محمد حسین جويا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



۲۰۰٪ وړيا کړېډېټ
له ام ټي ان څخه ام ټي ان ته



Anniversary

د ام ټي ان لسمه کليزه مو مبارک!

د ام ټي ان افغانستان د لسمې کليزې په مناسبت د ام ټي ان ټول هغه پيروونکي چې د روان کال د چنگاښ د مياشتې په ۳۱ نيټه په خپلو حسابونو کې کړېډېټ زيات کړي، له ام ټي ان څخه ام ټي ان ته به د اړيکو، ليکلو پيغامونو او انټرنټ لپاره له ۲ ورځو اعتباري مودې سره تر ۲۰۰ سلنه وړيا کړېډېټ ترلاسه کړي.

د وړيا کړېډېټ د معلومولو لپاره #۷۸۹*۴۷* ډایل کړئ.
وړيا کړېډېټ په لومړي ځل حساب زياتونې سره په هماغه ورځ ورکول کېږي.



د لار زياتو معلوماتو لپاره له ۷۷۹ شمېرې سره اړيکه ونيئ.
د سيکارډ لپاره لار زياتو لپاره دې.
www.mtn.com.af | MTN.Afghanistan | @MTNAF
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTNAF

په هرځای کې له تاسو سره

د آريانا افغان هوائی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com

همگام با شما در سفر حج بیت الله شریف
د آريانا افغان هوائی شرکت افتخار مینماید که
پروسه انتقال حجاج محترم را امسال نیز بدوش
داشته و پرواز های حجاج گرامی از کابل و ولايات
عنقریب آغاز میابد

تظاهرات کنندگان بامیان: تا عبور لین برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر اصلی آن به اعتراضات خود ادامه می دهیم



مسیر لین برق ۵۰۰ کیلوولت را بررسی کرده، این شرکت یک گزارش ۴۵۱ صفحه‌ای را نیز تهیه و با دلایل قانع‌کننده‌ی پیشنهاد داده که این لین از مسیر بامیان-میدان وردک عبور داده شود. معترضان می‌گویند که حکومت بدون در نظر داشت مزایای مسیر بامیان و بدون کدام دلیل قانع‌کننده تصمیم به «انحراف» آن گرفته و حقوق مردمی یک بخش بزرگ کشور را نادیده گرفته است. همچنان روز شنبه دوم اسد آغاز تظاهرات نامحدود در کابل از سوی جنبش روشنایی اعلام شده است.

از پول‌های کمک شده «برای روشن شدن خانه‌های تاریک مردم افغانستان طبق منافع ملی استفاده صورت گرفته و باعث نفاق ملی نگردد.» به باور آن‌ها، حکومت وحدت ملی «برخلاف اسناد ملی و بین‌المللی در یک تصمیم غیرعادلانه» لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان را طی یک فیصله‌ی «مرموز کابینه و بدون در نظر داشت انکشاف متوازن» از مسیر تعیین شده‌اش که بامیان-میدان وردک بوده است، انحراف داده و مسیر عبور این لین، سالنگ را تعیین کرد. در اعلامیه‌ی معترضان آمده است، شرکت آلمانی فیشر

آنان ضمن اعلام حمایت از جنبش روشنایی در کابل به رهبران حکومت وحدت ملی هشدار دادند که در صورت برآورده نشدن خواست‌شان سر از روز یک‌شنبه سوم اسد در مقابل دفتر ولایت و دفتر یوناما در این ولایت دست به تحصن خواهند زد. در اعلامیه‌ی معترضان آمده است: «ما مردم بامیان در برابر این تصمیم متعصبانه‌ی حکومت تا آخرین نفس می‌ایستیم. علیه تعصب، با تمام قدرت و توان مبارزه می‌نماییم و باور ما این است که ظلم ناپود شدنی و تعصب رسوا شدنی است. ما خواستار انکشاف متوازن و روشنی برای همه هستیم. ما برای تمام شهروندان کشور عدالت خواسته و با هر نوع بی‌عدالتی مبارزه» می‌کنیم. همچنان آنان خطاب به رییس‌جمهور و رییس اجراییه‌ی حکومت گفتند، به هراندازه که در برابر خواست مردم ایستادگی کنند، دامنه‌ی اعتراضات مردم را گسترده خواهند کرد. معترضان از جامعه‌ی جهانی و سازمان‌های حقوق بشری ملی و بین‌المللی و به‌ویژه سازمان ملل متحد و کشورهای تمویل‌کننده‌ی پروژه‌ی لین برق ۵۰۰ کیلوولت خواستند که دولت افغانستان را تحت فشار قرار دهند تا

اطلاعات روز: هزاران تن از باشندگان ولایت بامیان دیروز (جمعه، اول اسد) برای چهارمین بار در اعتراض به تغییر مسیر لین برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر بامیان-میدان وردک به سالنگ، تظاهرات کردند و از حکومت خواستند که فیصله‌ی (۱۱ ثور) کابینه را لغو اعلام کند. آنان هشدار دادند در صورتی که فیصله‌ی کابینه لغو نگردد و این لین برق از مسیر «اصلی» آن یعنی بامیان-میدان وردک عبور داده نشود، به اعتراضات‌شان ادامه می‌دهند. در اعلامیه‌ی معترضان آمده است که ما مردم بامیان «هیچ‌گونه طرح بدیل لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان را عملی ندانسته و قبول نداریم. فیصله‌ی ظالمانه‌ی کابینه که در آن مسیر لین برق ترکمنستان انحراف داده شد و لجاجت حکومت را در برابر خواسته‌های مردم محکوم می‌نماییم. این فیصله‌ی متعصبانه‌ی کابینه و تصمیم مغرضانه‌ی کمیسیون خودساخته‌ی حکومت، هرچه زودتر لغو و باطل اعلان شود. حکومت بر اصل انکشاف متوازن احترام قایل شده و لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان از مسیر بامیان-میدان وردک عبور داده شده و برای ولایت‌هایی که در مسیر عبور این لین برق قرار دارند و یا نزدیک می‌شوند، برق داده شود.»